[45] وعدهء ازدواج با يزيد ودادن صد هزار درهم را داد، ولى پس از شهادت امام ودرخواست جعده براى ازدواج با يزيد گفت: ما دوست داريم يزيد زنده بماند واگر أو را دوست نمى داشتيم بنا به وعده أي كه داده بوديم تو را به عقدش در مى آورديم. امام حسين عليه السلام پيكر برادرش را بهمراه ديگر نزديكان تجهيز كرد، مردم براى تشييع سبط اكبر پيامبر به مدينه آمدند، پيكر امام را براى برگزارى نماز به مسجد بردند وامام حسين عليه السلام بر آن نماز گذارد، آنگاه جنازه حضرت را نزديك قبر پيامبر بردند تا با جدش تجديد عهد كرده ودر جوار آن حضرت أو را دفن كنند، آتش حسد وكينه در دل بنى اميه برخاست چرا كه عثمان در حاشيهء گورستان يهوديان بخاك سپرده شده بود، از اينرو مروان بن حكم وسعيد ين عاص نزد عايشه رفته تا از أو يارى بگيرند، عايشه نيز كه قلبش از كينه به اين خاندان پر بود از مروان پرسيد: چه كنم، أو گفت: نزد حسين برو واو را از اين كار منع نما، از اينرو به مسجد آمد وفرياد زد: كسى را كه دوست نمى دارم وارد خانه ام نكنيد و بدانيد اينكار انجام نمى يابد مگر اينكه گيسوانم پريشان شود واشاره به پيشانيش نمود. امام حسين عليه السلام بنا به وصيت برادر بزرگش براى جلوگيرى از خونريزى، آن حضرت را به بقيع برد ودر كنار قبر مادر بزرگش فاطمه بنت اسد دفن نمود. رحمت خدا بر أو باد آنگاه كه بدنيا آمد، وآن هنگام كه شهيد شد، و آنگاه كه براى انتقام از دشمنانش در پيشگاه عدل الهى حاضر مى گردد. مى توان پرسيد: _____